روایت سیاستمدار

در گفت‌وگوی ریچارد هاس با بیل کلینتون تشریح شد:

دشواری‌های صلح خاورمیانه

ریچارد ان هاس، دیپلمات سابق آمریکایی و از شناخته‌شده‌ترین اساتید روابط بین‌الملل در ایالات متحده آمریکاست. او در طول دوران فعالیت حرفه‌ای و پژوهشی خود، رئیس شورای روابط خارجی، مدیر برنامه‌ریزی سیاسی وزارت خارجه و مشاور نزدیک کالین پاول، وزیر خارجه وقت، در دولت جورج دبلیو بوش، نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایرلند شمالی در همان دولت، دستیار ویژه رئیس جمهور جورج اچ دبلیو بوش و مدیر ارشد شورای امنیت ملی در امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی بوده است. او میزبان گفت‌وگویی با بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق ایالات متحده بوده است و در این گفت‌وگو، به خاورمیانه پرداخته است. دولت کلینتون، در فرایند منتهی به پیمان اسلو نقش‌آفرینی داشت و البته مثل دیگر دولت‌های ایالات متحده، درگیر عملیات نظامی در خاورمیانه نیز بود. حالا، حدود ربع قرن پس از بازنشستگی، کلینتون به سؤالات هاس پاسخ می‌دهد.

COUNCIL on FOREIGN RELATIONS

هاس: حدود هشت، نه ماه بعد از اینکه شما رئیس جمهور شدید، پیمان اسلو بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها منعقد شد؛ و صادقانه بگویم، نقش ایالات متحده در ایجاد آن محدود بود. این چیزی بود که اساساً آنها بین خودشان مهندسی کردند. سپس آن مراسم را در ساوت‌لان برگزار کردید. وقتی من و مارتین ایندیک در مورد آن صحبت کردیم، من آنجا بودم و آن مراسم را برای ان‌بی‌سی پوشش می‌دادم و مارتین به من گفت که رابین - اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل - بیشتر نگران این بود که چگونه با میل شدید یاسر عرفات برای بوسیدن طرف مقابلش برخورد کند. (خنده) و اینکه همه شما تمرین کردید که چگونه با این بوسه کنار بیایید.

کلینتون: بله، ما این کار را کردیم. من و رابین از قبل در مورد آن صحبت می‌کردیم. و من گفتم، آنها هرگز واقعاً با هم خوب نبوده‌اند. آنها سی سال با هم جنگیده بودند. آنها هرگز با هم خوب نبودند. من گفتم، شما باید با او دست بدهید. او گفت، چرا؟ گفتم، ما در دنیای تلویزیون زندگی می‌کنیم. بیش از یک میلیارد نفر تماشا خواهند کرد. آنها باید باور کنند که شما در حال برقراری صلح هستید، یا اینکه آماده‌اید واقعاً تلاش‌تان را بکنید. نمی‌توانید با عرفات دست ندهید؛ و او گفت، بسیار خُب، اما بوسیدن ممنوع. (خنده.)

بنابراین همه را دور هم جمع کردیم. تونی لیک آن زمان مشاور امنیت ملی من بود. سندی هم آنجا بود. کل تیم وزارت امور خارجه و وزارت دفاع و همه را داشتیم. تونی خودش را فوق‌العاده مفید نشان داد. او گفت، اوه، من می‌دانم چگونه این کار را انجام دهم. گفتم، منظورت چیست؟ او گفت ما وانمود می‌کنیم که من عرفات هستم؛ نه. تو وانمود می‌کنی که عرفات هستی و من رابین خواهم بود. بنابراین من دستم را دراز کردم، با او دست دادم و او دست مرا گرفت. او گفت، حالا تو این کار را با من بکن و من هم این کار را با او کردم.

اما چیزی که برایم جالب بود؛ که فکر می‌کنم تأثیر بیشتری در خاورمیانه داشت، این بود که رابین بسیار محتاط بود. او اولین رهبر اسرائیلی بود که گفت فرزندان فلسطینی‌ها شایسته صلح و فرصتی برای زندگی در آینده هستند. وقتی عرفات صحبت می‌کرد، با همه مهربان بود و مردم را در آغوش می‌گرفت. اما وقتی شروع به صحبت کرد، طوری به نظر می‌رسید که انگار در یک تجمع سیاسی محلی است و می‌گوید، ببینید بچه‌ها، من همه این چیزها را درست می‌کنم. نگران هیچ چیز نباشید. بنابراین آنها کاملاً نقش‌هایشان را عوض کردند و انتخاب‌هایی که کردند در کوتاه‌مدت برای هر دوی آنها مؤثر بود. اما برای رابین، به نظر من، انتخاب‌ها مهم‌تر بودند. به نظرم آدم باورنکردنی بود. اما نکته جالب این است که عرفات از او بسیار می‌ترسید. چیزی در مورد رابین وجود داشت و فکر می‌کنم بخشی از آن به خاطر رفتار نظامی او بود و بخشی دیگر به خاطر اعتماد به نفسش بود.

اما می‌خواهم به دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم و تمام چیزهایی که درباره یکدیگر می‌گوییم فکر کنید. چند ماه بعد از این، بعد از اینکه ما توافق را امضا کردیم، اولین واگذاری بزرگ زمین را تحت پیمان اسلو داشتیم و اسرائیل در حال آماده شدن برای واگذاری بخش قابل توجهی از زمین در خاورمیانه و کرانه باختری بود. این کار را انجام داده بود - زمین‌ها در دسته‌های مختلفی بودند که میزان کنترل اسرائیل و میزان کنترل فلسطینی‌ها را مشخص می‌کرد - بیست و هفت نقشه وجود داشت که باید در طول زمان امضا می‌شدند. من شاهد ماجرا بودم. در واقع ۹ نقشه و سه نسخه از ۹ نقشه وجود دارد. البته زمین زیادی در کرانه باختری نبود. این نقشه‌ها بسیار بزرگ بودند و به معنای واقعی کلمه صدها نامگذاری وجود داشت. مثلاً گفته شده بود این اسرائیل است. این حکومت فلسطین است. درباره همه این چیزها. بنابراین ما در حال امضا بودیم. آماده بودیم جشن بگیریم. من مجبور شدم بیرون بروم و به یک تماس پاسخ بدهم. در اتاق کابینه در کاخ سفید بودیم. مجبور شدم بیرون بروم و به یک تماس پاسخ دهم و وقتی من رفتم، رابین هم بیرون آمد. او گفت، ما یک مشکل داریم و من گفتم، مشکل چیست؟ او گفت، یک جاده فرعی نزدیک اریحا وجود دارد که از نزدیکی تمام مناطق مسیحی‌نشین در کرانه باختری می‌گذرد و عرفات می‌گوید که در مذاکرات توافق کردیم که آن را به او بدهیم و نقشه می‌گوید که این مال ماست. به او نگاه کردم و گفتم، این یکی از آن مسائلی است که مستقیماً به ایالات متحده مربوط نمی‌شود. شما باید خودتان این را حل کنید. شما باید به همکاری با هم عادت کنید. چه الان و چه بعداً و من عرفات و رابین را خواستم و آنها را در آن اتاق کوچک کنار دفتر بیضی، دفتر خصوصی رئیس جمهور، گیر انداختم. گفتم، شما باید به انجام این کار بدون من یا هیچ کس دیگری عادت کنید و در را بستم. پنج دقیقه بعد، رابین بیرون آمد و گفت، حق با اوست، مال اوست. باید مال او باشد. گفتم، ما تمام مطبوعات ملی و مطبوعات جهان را اینجا داریم. ما همین الان هم دیر کرده‌ایم و مطمئناً وقت نداریم نقشه‌ها را دوباره تنظیم کنیم. او گفت، اشکالی ندارد. او گفت، ما قرار است نقشه‌هایی را که آنجا هستند امضا کنیم و من دوشنبه زمین را به او می‌دهم. به عرفات نگاه کردم. گفتم، متوجهی داری چه کار می‌کنی؟ داری از عنوان قانونی‌ات دست می‌کشی. او گفت، بله. او گفت، حرف او از هر قرارداد کتبی‌ای ارزشمندتر است. او هرگز ذره‌ای از خواب غفلت بیدار نشد. او نگران این نبود که در نظر اعضای سازمانش ضعیف به نظر برسد. حرف او از هر قرارداد کتبی‌ای ارزشمندتر است. این چیزی است که اگر می‌خواهیم نتایج متفاوتی داشته باشیم، باید بیشتر داشته باشیم.

پس شما دارید یک مسیر بی‌نقص را به من نشان می‌دهید. کمی بیش از دو سال بعد، ترور اسحاق رابین را داشتیم و وقتی به تاریخ نگاه می‌کنید، ترورها آشکارا هرازگاهی اتفاق می‌افتند. مثلاً جنگ جهانی اول حتی اگر آرشیدوک فردیناند ترور نمی‌شد، اتفاق می‌افتاد. اما من واقعاً فکر می‌کنم که ترور رابین تاریخ را تغییر داد، البته به شیوه بدی. چون فکر می‌کنم، با توجه به آنچه قبلاً گفتید و کنجکاوم که آیا با من موافق هستید یا نه، او تنها اسرائیلی بود که به نظر من می‌توانست هم فلسطینی‌ها و هم اعراب را جذب کند و می‌توانست اسرائیل را با خود همراه کند، زیرا او یک صلح‌طلب بود. بنابراین نظر من این است که وقتی او ترور شد و آن متعصب مذهبی که او را کشت، می‌دانست چه می‌کند، زیرا فکر می‌کردم وقتی یاسر کشته شد، وقتی اسحاق رابین کشته شد، چشم‌انداز موفقیت به طرز چشمگیری تضعیف شد و کنجکاوم که آیا با این نظر موافق هستید؟

کلینتون: اول از همه، من اغلب فکر کرده‌ام که اگر کمی وقت اضافی داشتم، دوست داشتم کتابی در این مورد بنویسم. یعنی ترورهای سیاسی اغلب باعث نمی‌شوند اهداف از بین بروند. قاتل انورسادات در از بین بردن صلح موفق نشد. اما درباره ترور رابین باید بگویم که قاتل به آنچه می‌خواست رسید و جالب است. من همیشه به رؤسای جمهور اسرائیل، نه نخست‌وزیران، علاقه داشتم که اختیار عفو داشته باشند و همیشه کنجکاو بودم که ببینم وقتی رئیس لیکود انتخاب می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد. اسرائیل هرگز نمی‌تواند به عنوان یک استراتژی سیاسی به ترور تکیه کند. اما چیزی که قاتل رابین می‌خواست اتفاق افتاد. خانواده‌اش هنوز جزو بخش افراطی شهرک‌نشینان ائتلاف نتانیاهو هستند. بنابراین او به چیزی که می‌خواست رسید و مطمئنم که تا به امروز پشیمان نیست.

می‌خواهم چند سال به جلو بروم. ژوئیه ۲۰۰۰، کمپ دیوید. فکر می‌کنم نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اگر درست یادم باشد، ایهود باراک بود. هنوز هم یاسر عرفات قدرت داشت و شما و تیمتان سعی کردید برای یک صلح جامع، راه‌حل دودولتی، مذاکره کنید. به آن نزدیک شدید. اما در نهایت، موفق نشدید. من و شما چند بار با هم گلف بازی کرده‌ایم. کمپ دیوید داشتید، آیا می‌توانستید کارهای بیشتری برای ایجاد حمایت از عرفات در جهان عرب انجام دهید، چون او گفت اگر این کار را بکنم، مرا می‌کشند و حکم مرگ خود را امضا می‌کنم. فکر می‌کنید می‌توانستید کار متفاوتی انجام دهید که مهم باشد؟

کلینتون: فکر می‌کنم کاملاً ممکن بود. فکر می‌کنم اشتباه کردم، فکر می‌کردم همه رهبران سیاسی درگیر در این مذاکرات، همگی افرادی واقعاً باهوش هستند و می‌خواهند موفق شوند اما آنها همچنین می‌خواهند روند کار را کنترل کنند. همه آنها فکر می‌کنند از هر کسی که در قدرت است باهوش‌ترند. همه اینها قابل درک است. من دلایلی دارم که معتقدم اشتباه کردم، زیرا من با اکثر رهبران عرب رابطه غیرمعمول خوبی داشتم. ما همه را در وزارت امور خارجه و وزارت دفاع به کشورهای مختلف فرستادیم تا بتوانیم طرح صلح را به آنها بقبولانیم. اما فکر می‌کنم اگر خودم رفته بودم، این احتمال وجود داشت که اتفاق بیفتد.

عکس: Walterlooss

نگاه خارجی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفا جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

Atlantic Council

انتخاب‌های ترامپ در قبال ایران

صرف انرژی و وقت کمتر برای ایران، هدفی قابل‌درک در حوزه امنیت ملی است. بیش از ۴۶ سال است که هر دولت آمریکا منابع قابل‌توجهی را صرف ایران کرده و در مقابل، بازده اندکی دریافت کرده است. در فاصله‌ای آشکار از دولت اول دونالد ترامپ، راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا (NSS) این واقعیت را منعکس می‌کند؛ به‌طوری که تنها سه بار به ایران اشاره کرده، بر تضعیف جایگاه آن، آتش‌بس ایران و اسرائیل و عملاً اعلام «ماموریت انجام‌شد» تأکید دارد. بخش مربوط به ایران در NSS احتمالاً بازتاب‌دهنده اختلافات داخلی در پایگاه سیاسی رئیس جمهور طی جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل است. جنگ‌طلبان سنتی از اقدامات نظامی استقبال کردند، در حالی که جریان‌های محدودکننده نگران بودند رئیس جمهور از وعده‌اش برای پایان دادن به «جنگ‌های بی‌پایان» در خاورمیانه عقب‌نشینی کند. NSS درست می‌گوید که ایران تضعیف شده است. اوجود این عقب‌گردها، ایران همچنان تهدیدی برای منافع آمریکا و چشم‌انداز «شراکت، دوستی و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای» است که NSS ترسیم می‌کند. ایران همچنان مقادیر زیادی اورانیوم با غنای بالا و سانتریفیوژهای پیشرفته در اختیار دارد؛ آن هم بدون هرگونه نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. این خطر هسته‌ای با درخواست‌های داخلی در ایران برای «گریز هسته‌ای» پس از جنگ دوازده‌روزه تشدید شده است. اگرچه برنامه موشکی و حمایت ایران از بازیگران غیردولتی تضعیف شده، ایران در همان جنگ دوازده‌روزه خسارات ملموسی به اسرائیل وارد کرد و می‌تواند به‌راحتی حملات نیابتی علیه نیروهای آمریکایی در منطقه را از سر بگیرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در واکنش به این واقعیت، بار دیگر تهدید موشکی ایران را برجسته کرده و تمرکز حملات اسرائیل علیه نیروهای نیابتی ایران را افزایش داده است. حالا چه باید کرد؟ با توجه به NSS، اجرای سست «فشار حداکثری ۲» و برخی مواضع پیشین ترامپ درباره مداخله نظامی، می‌توان گفت تغییر حکومت در ایران با ابتکار آمریکا فعلاً روی میز نیست. این وضعیت ممکن است تغییر کند، اما اگر رویکرد «اول آمریکا» و NSS غالب بماند، هدف آمریکا این خواهد بود که در آینده زمان کمتری صرف ایران کند. این رویکرد سه گزینه فوری پیش روی واشنگتن می‌گذارد: اول اینکه اگر آتش‌بس فعلی پابرجا بماند؛ عالی است. رئیس جمهور اعتبار زیادی کسب خواهد کرد و NSS نیز روی همین سناریو حساب می‌کند. این رویکرد شباهتی به سیاست دو سال پایانی دولت بایدن در قبال ایران دارد که برخی آن را «نه بحران، نه توافق» می‌نامیدند. اما سه تفاوت اساسی وجود دارد: اول، از نگاه دولت بایدن این سیاست موقتی بود و تا حدی به تقویم سیاسی آمریکا مربوط می‌شد. دوم، با توجه به دلایل گفته‌شده، ازسرگیری درگیری محتمل است و هر شکل از مهار را کم‌دوام می‌کند. سوم، حتی اگر ترامپ بخواهد کاملاً از ایران فاصله بگیرد، به دلیل خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و حملات بی‌سابقه به برنامه هسته‌ای ایران در ژوئن امسال، میراث پرونده هسته‌ای ایران عملاً به نام او ثبت شده است. گزینه دوم، واگذاری این پرونده به اسرائیل مطرح است. اجرای آن احتمالاً به سیاست «چمن‌زنی» منجر می‌شود؛ یعنی اسرائیل به‌طور دوره‌ای ایران را هدف قرار دهد تا تهدیدهای مشخصی را کاهش دهد و همزمان تمرکز بیشتری بر تغییر حکومت در بلندمدت داشته باشد. این راهبرد، پرریسک و پربازده بالقوه است و به شریکی متکی است که توان نظامی بالایی نشان داده، اما در تبدیل موفقیت‌های میدانی به دستاوردهای راهبردی پایدار چندان موفق نبوده است و شاید مهم‌تر از همه، به نظر می‌رسد ترامپ گزینه سوم—توافق جدید—را ترجیح می‌دهد. او بارها خواستار ازسرگیری مذاکرات شده و اقداماتی نمادین انجام داده است؛ از جمله ارسال نامه‌ای به رهبر ایران در ماه مارس و دعوت از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، برای شرکت در نشست صلح غزه در مصر در اکتبر. اما دستیابی به توافقی جدید کاری بسیار دشوار است. جدا از این‌که ایران مذاکره‌کننده‌ای بسیار سخت است، ترامپ با چالش‌های خاصِ دولت خود مواجه است که نشان می‌دهد چرخش از پرونده ایران تا چه حد پیچیده خواهد بود. یک توافق احتمالی با ایران می‌تواند شکاف درون حزب جمهوری‌خواه را دوباره فعال کند، بدون تسلیم کامل دولت ایران—که احتمال آن پایین است—بعید است دولت نتانیاهو از هرگونه توافقی حمایت کند و این مسئله جمهوری‌خواهان حامی ترامپ و مخالف برجام را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد. همزمان با آغاز گفت‌وگوها در آوریل، در واشنگتن این احساس وجود داشت که ایران با مذاکرات پایان دادن به جنگ اوکراین متفاوت است: محافظه‌کاران سنا در موضوع ایران فشار بیشتری بر رئیس‌جمهور وارد خواهند کرد.